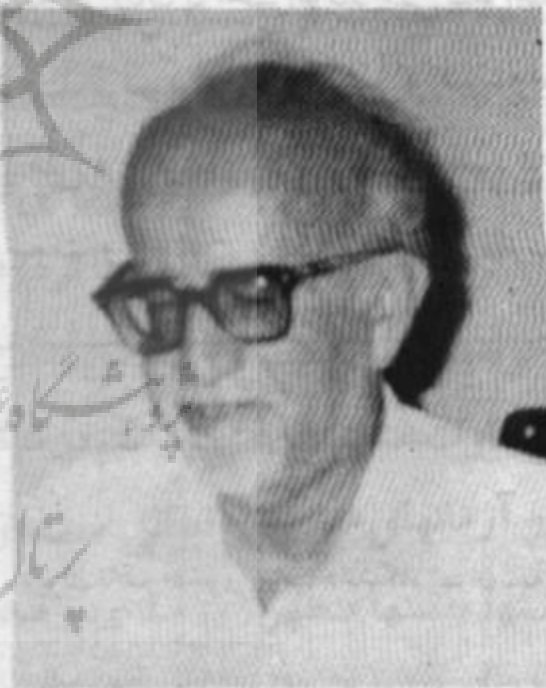


## سهام سید علی همدانی در انتقال فرهنگ ایران و

## اسلام به شبه قاره هند و ستم ستیزیهای او

دکتر رضا مصطفوی سبزواری  
دانشگاه علامه طباطبائی



پس در زادگاهش به تبلیغ اشتغال ورزید. به سال ۷۶۰ به ختلان<sup>(۳)</sup> مهاجرت کرد و همزمان، دو تن از معتمدان خود را نیز به قصد تبلیغ به کشمیر فرستاد. در سال ۷۷۳ در ماورالنهر با امیر تیمور ملاقات کرد و او را پند و اندرز و هشدار داد تا از خونریزیهایش دست بردارد. تیمور سید را به قتل تهدید کرد<sup>(۴)</sup> و در نتیجه سید علی به سال ۷۷۴<sup>(۵)</sup> با گروه سادات الخولاب<sup>(۶)</sup> به کشمیر مهاجرت کرد<sup>(۶)</sup>. تاریخ وفات او را روز چهارشنبه ۶ ذی حجه ۷۸۶ نوشته اند.<sup>(۷)</sup> جنازه اش را مریدانش به ختلان (کولاب فعلی) در تاجیکستان انتقال دادند<sup>(۸)</sup>. سید علی را باید یکی از بزرگترین و مؤثرترین بانیان کاخ رفیع فرهنگ ایران و اسلام و زبان و ادب فارسی در خطه پهنای هند و ختلان دانست. او با تأسیس مدارس و خانقاههای زیادی در کشمیر و ختلان سبب گردید تا فرهنگ ایران زمین در آن خطه رواج یابد. خانقاه معلی یا مسجد شاه همدان و محل تدریس و تعلیم سید علی با معماری خاصی که دارد نزدیک سرینگر کشمیر و در کنار رودخانه جهلم هنوز باقیست<sup>(۹)</sup>.

عیب است بزرگ بر کشیدن خود را

وز جمله خلق برگزیدن خود را

از مردمک دیده نباید آموخت

دیدن همه کس را و ندیدن خود را

سید علی همدانی<sup>(۱)</sup>

میر سید علی همدانی روز دوشنبه دوازدهم رجب سال

۷۱۴ هـ. ق. در همدان تولد یافت<sup>(۲)</sup>. در طول سالهای ۷۳۴ تا

۷۵۳ به سیاحت در ممالک اسلامی و همجوار پرداخت و

در ختلان و سپس کشمیر کتابخانه ساخت و کتابهای خود را به آنجا انتقال داد با توجه به اینکه نوشته اند: سلطان قطب الدین که خود هم شاعر بود و هم علاقه مند به زبان و ادب فارسی و هم بانی یک مدرسه بزرگ، از کتابخانه او در کشمیر دیدن کرده و نیز در هر دو مکان یاد شده کتابداری مخصوص به نام سید محمد قاضی داشته و همچنین پس از فوت سید کسی به نام ملا احمد امور کتابخانه او را به عهده گرفته بوده، معلوم می‌گردد که می‌باید هم تعداد کتابها و هم ارزش و کیفیت آنها در خور توجه بوده باشد<sup>(۱۰)</sup> و در انتقال فرهنگ ایران و اسلام بسیار مؤثر.

پادشاهان وقت کشمیر: سلطان شهاب الدین (۷۷۵-۷۷۵) و برادرش قطب الدین (۷۷۵-۷۹۶) برای شخصیت این ایرانی دانشمند و الا تبار احترام خاصی قائل بودند و این حرمت و بزرگداشت آنان به مصداق «التاسی علی دین ملوکهم» سبب می‌گردید تا عموم مردم نیز نسبت به ایران و ایرانی که او نمونه آنان معرفی شده بود، دیدی احترام آمیز و شایسته فرهنگ و تمدن ایران بیابند. نگاه علوم از سویی دیگر نفوذی که سید علی در پادشاهان وقت کشمیر ایجاد کرده بود سبب می‌گردید تا بتواند نصایح ارزانی و سازنده خود را نیز به آنان ابلاغ کند و مقبول طبعشان آفتد و از این رهگذر نیز فرهنگ ایران زمین و آنچه قدما آن را قسمی از «حکمت عملی» و به اصطلاح «سیاست مدن»<sup>(۱۱)</sup> تعبیر می‌کردند در آن سرزمین های دور دست و خارج از محدوده ایران نیز ترویج گردد. او در کتاب «تذکره الملوک» که مشهورترین کتاب اوست و مذتها نیز در خطه پهناور هند و بخصوص کشمیر کتاب درسی بوده<sup>(۱۲)</sup> شرایط حکومت و پادشاهی راده چیز می‌داند و از آن جمله می‌گوید:

«شرط اول آنست که در واقعه‌ای که پیش آید پادشاه و

حاکم خود را در آن واقعه یکی از رعایا تصور کند و دیگری را بر خود حاکم بیند و در آن حال هر حکم که از دیگری بر خود روانمی‌دارد، مثل آن از خود بر دیگری روا ندارد»<sup>(۱۳)</sup> و یا مثلاً در شرط چهارم می‌گوید:

«آنکه در حکم سخن به مدارا گوید و بی موجب درشتی نکند و از شنیدن حجت بسیار ملول نگردد و از سخن گفتن با ضعیفان و مسکینان ننگ ندارد»<sup>(۱۴)</sup>.

در شماره نهم به حاکمان سفارش می‌کند که: از تجسس خیانت ثواب و ظلم عمال غافل نباشد و گرگ سیرتان ظالم را بر رعایاء مظلوم مسلط نکند و چون ظلم و خیانت یکی از ایشان ظاهر شود، او را به مواخذه و عقوبت عبرت دیگران گرداند و در سیاست پادشاهی مساهلت رواندارد<sup>(۱۵)</sup>.

سید علی در دیگر کتابها و رساله های خود نیز که تعداد آنها را تا صد و ده<sup>(۱۶)</sup> بر شمرده اند، گاه و بیگاه مبلغ فرهنگ ایران و بخصوص مسایل اخلاقی و تربیتی و زیربنایی و انسانی جامعه مسلمان ایرانی است. در کتاب «فتوح و غنائم» که بخشی بنسبت روان و ماندنی دارد، می‌نویسد:

«ای عزیز الخی» باید به مکارم اخلاق موصوف بنود و به خصایل مستدیده آرامت باشد: با پیران به حرمت باشد و با جوانان به نصیحت، با طفلان به شفقت، با ضعیفان به رحمت، با درویشان به بذل و سخاوت، با علما به توقیر و حشمت، با ظالمان به عداوت، با فاجران به اهانت، با خلق به احسان و مروت، با حق به تضرع و استعانت، با نفس به جنگ، با خلق به صلح، ...، بر جفای خلق متحمل، در وقت مصائب صابر، در حالت رجا شاکر، به عیوب نفس خود عارف، از ذکر عیوب خلق ساکت ...»<sup>(۱۷)</sup>

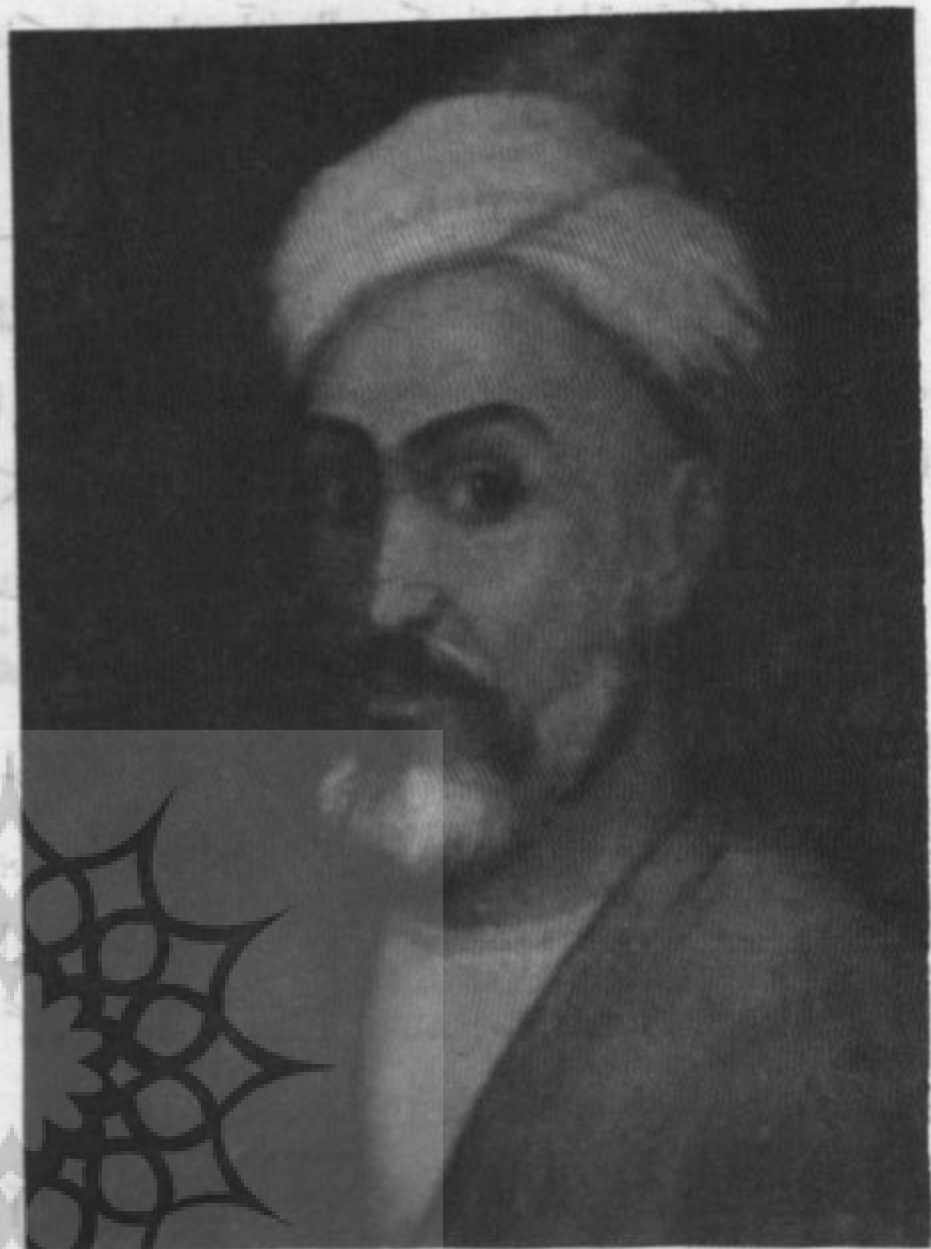
سید علی در مسافرتهايش به خطه هند و سایر بلاد رسالتی را هم که برای ابلاغ دین مبین اسلام به عهده داشت به نحو احسن به انجام رسانید، مورخان گفته اند ۳۷ هزار تن از

وی در کشمیر مورد احترام و تکریم است. مسلمانان کشمیر در جایی که وی برای موعظه و ارشاد می نشست بنای یادبودی درست کرده اند و آن محل را زیارت می کنند. روز عاشورا هنگامی که دسته های عزاداران حضرت امام حسین (ع) از آن محل عبور می کند، پرچم های خود را به احترام فرود می آورند. مقام معنوی این سید بزرگوار به اندازه ای در دلها نفوذ کرده که قایق رانان رودهای کشمیر هنگامی که از پارو زدن خسته می شوند، از روح بزرگ سید استمداد می کنند و فریاد می زنند: «یا شاه همدان!!!» (۲۱)

سید علی ستم ستیز بود و در برابر مفاسد اجتماعی از پای نمی نشست. حکام و پادشاهان وقت را به رعایت مقررات و قوانین دینی و انسانی و عدالت و دادگری فرامی خواند. نامه ای که به سلطان قطب الدین پادشاه کشمیر نوشت چنین آغاز می گردد:

«حضرت سلطان اصلح الله شأنه به دعای مخلصانه مخصوص است به اجابت مقرون باد» و بعد از عنوان می نویسد: «ای عزیز... اگر دین داری آنست که صحابه و تابعین داشتند و مسلمانی آنکه در قرن اول ورزیدند، جای آنست که گبران و مغان از تر دامن ما ننگ دارند و جهودان بی مقدار این مسلمانی ما را به این اعتقاد زور به کاه برگی برندارند» و سپس در خطاب به سلطان می گوید:

«ای عزیز حرام مخور و ضعیفان را محروم مگردان» (۲۲)  
سید در این نامه ها به پادشاهان هشدار می دهد که روز قیامت از مردم عوام درباره نماز و دیگر فرایض آنها می پرسند ولی از حاکمان و پادشاهان ابتدا درباره دادگریها و عدالتشان سؤال خواهد شد. از مجموعه نامه های بازمانده از سید علی چنین برمی آید که هدف او از نگاشتن آنها ارشاد و راهنمایی امرا و سلاطین و حکام وقت بوده و همچنین معلوم می گردد که سید تا چه اندازه بی باک و ترس و ستم ستیز



میرسید علی همدانی

هندوان و بودائیان عاشق وار به دست او و یاران تربیت یافته او مسلمان شدند که نام این همکاران تبلیغی او در خزینة الاصفیا آمده است. (۱۸)

سید تنها در زمینه انتقال کتب فارسی به ختلان و کشمیر موفق گردید که بنا به گفته اقبال لاهوری با ترویج «هنرهای غریب و دلپذیر» و «دادن علم و صنعت» از خطه کشمیر «ایران صغیر» (۱۹) آفرید و بعضی هنرها و صنایع ایرانی از قبیل قالی بافی، کلاه بافی و غیره را نیز بدان سرزمین انتقال داد. (۲۰)

رفتار و کردار و خدمات و آموزشهای اخلاقی و انسانی سید علی به عنوان یک ایرانی مسلمان چنان محبوبیتی در میان توده های مردم کشمیر بوجود آورد که به او لقب هایی چون «امیر کبیر»، «علی ثانی»، «شاه همدان»، «حواری کشمیر» داده اند و نوشته اند: «اکنون جای وعظ و تدریس

بوده. در نامه ای به سلطان غیاث‌الدین می‌نویسد: «امروز جاهلان مفتن که احوال ایشان را به کرات و مرآت دانسته اند و تحقیق کرده و به مکابره و بی‌شرمی اجتماع کرده اند و این حدّ جرأت ایشان نیست تا از اجابت آن عزیز تقویت نباشد. اگر خاطر عزیز آن می‌خواهد که اهل این دیار به این ضعیف آن کنند که یزید کرد با حسین (رض)، سهل است که ما این جفاها را سعادت خود می‌دانیم، این ضعیف را به حضرت صمدیت عهدیست که اگر جمله زمین آتش گیرد و از آسمان شمشیر بارد آنچه حق باشد نپوشد و به جهت مصلحت فانی، دین به دنیا نفروشد...» (۲۳)

در نامه دیگری به سلطان علاء‌الدین می‌نویسد: «بر حاکم و پادشاه واجب است که از خطر عهده حکومت بیندیشد و تقلّد امور بندگان حق را آسان نشمرد و آثار نتایج مرضی و نامرضی را خوار ندارد...» (۲۴)

سید در راه مقاصد تعلیمی و تبلیغی خود حتی در برابر جهانگشایی خونریز از ستیهندگی و ستم ستیزی و مبارزه دست بر نمی‌دارد: نوشته اند وقتی به دستور امیر تیمور سید علی همدانی را برای ملاقات با او حاضر می‌کنند، چون تیمور شنیده بود که سید هیچ موقع پشت به کعبه نمی‌نشیند، عمداً او را پشت به کعبه نشانند و گفت شنیدم تو پشت به قبله نمی‌نشینی! امروز چطور پشت به قبله نشستی؟ سید گفت: «هر که رو به شما کند بی‌شک پشتش به قبله خواهد بود» (۲۵) نیز نوشته اند: تیمور گفت: شنیده ام برای کسب قدرت می‌کوشی. سید گفت:

من به دو جهان اعتنایی ندارم،... درباره سلطنت شبی در خواب دیدم که «سگ لنگی» آمد و آن را در روی ما روی به آخرت آوردیم. دنیا را طالب نیستیم، خاطر جمع دار» (۲۶).  
سید علی منتقدی است ستیهنده و ستم ستیزی است



کوبنده و براین باور است که:

از سیل چو کوه سر مگردان

سیلی خور و روی بر مگردان

خاک تو شده جهان هستی

چون خاک مکن جهان پرستی (۲۷)

اعتراض و انتقاد سیدعلی فقط به حاکمان و پادشاهان منحصر نمی‌گردد که به عالمان ریایی و دنیا طلب نیز می‌تازد و آنان را به باد انتقاد می‌گیرد. در رساله مختصری که درباره فضایل علمای دین تحت عنوان: «فی علماء الدین» نگاشته، می‌گوید: «عالمان واقعی آنهایی هستند که ظاهر و باطنشان یکی است نه آن گروه که از اطلاعات جزئی کمی آگاهی پیدا کرده اند و در دنیا طلبی و دسیسه کاری‌ها محو و غرق می‌باشند» (۲۸).

سیدعلی از راه سرودن اشعار عرفانی خود نیز دل ارباب ذوق و معرفت را می‌شکرد و شعرگویی او نیز در حقیقت راهی دیگر برای ترویج اندیشه های عارفانه او محسوب می‌گردد. مجموعه غزلیاتش «چهل اسرار» یا «گلشن اسرار» نام دارد و تخلصش «علی» یا «علایی» است. گرچه بر روی هم حدود پانصدبیت در قالب غزل و قصیده و رباعی بیشتر به دست ما نرسیده، اما همین تعداد اندک در راه مقاصد اصلاح طلبانه و رهنمودهای جامعه آن روزگار بسیار مؤثر می‌افتاده است. و سید جذبات درونی و حالات روحی خود را نیز در لباس همین اشعار لطیف به شنوندگان خود منتقل می‌کرده است. (۲۹)

ارباب ذوق در غم تو آرمیده اند

از شادی و نعیم دو عالم رمیده اند

و یا:

راحت ارخواهی بیا با درد او همراز شو

دولت ارجویی برو در عشق او جانباز شو (۳۰)

پی‌نوشت‌ها:

۱- ر.ک: نسخه خطی شماره ۲ کتابخانه ملک به نقل مجله یغما شماره ۸، آبان ماه ۱۳۳۰ ص ۳۳۹، نیز: احوال و آثار سیدعلی همدانی تألیف دکتر محمد ریاض از انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ج دوم ص ۴۸۱.

۲- عبارت: «رحمة الله» را به حروف ابجد تاریخ ولادت او دانسته اند: ر.ک: کشیر (kashir) یک تألیف غلام محی‌الدین صوفی (انگلیسی) چ لاهور ۱۹۴۹ ص ۸۵.

۳- ولایتی از بدخشان در ماوراءالنهر نزدیک سمرقند که امروزه «کولاب» نام دارد و جزو تاجیکستان است.

۴- مأخذ شماره (۲) ج یک ص ۸۴.

۵- در مورد مهاجرت سید به کشمیر ماده تاریخ زیر در کتابهای تاریخ کشمیر نقل گردیده است:

میر سیدعلی شاه همدان سیر اقلیم سبعة کرد نکو شد مشرف ز مقدمش کشمیر اهل آن شهر را هدایت جو سال تاریخ مقدم او را یسابی از «مقدم شریف» او عدلت مهاجرت سید را میرزا اکمل الدین کامل بیک بدخشانی به نقل دکتر محمد ریاض چنین به نظم آورده:

گرته تیمور شور و شر کردی کی امیر این طرف گذر کردی  
۷- دو کتاب «نقش پاری بر احجار هند» تألیف استاد علی‌اصغر حکمت رباعی زیر به عنوان ماده تاریخ فوت سید آمده که مؤید تاریخ بالاست:  
حضرت شاه همدان کریم آینه رحمت ز کلام قدیم  
گفت دم آخر و تاریخ شد بسم الله الرحمن الرحیم  
ر.ک: مأخذ یادشده، چ ایران سوسایتی، کلکته ۱۳۳۶ شمسی (= ۱۹۵۷ م) ص ۴۶.

۸- ر.ک: تحایف الابرار ص ۲۳. نیز نفعات الانس جامی از انتشارات کتاب فروشی محمودی به تصحیح مهدی توحیدپور ص ۴۴۷-۸.

- تمام این بنا از قطعات چوب ضخیم و مکعب است که بر روی هم مانند خشت نصب کرده اند و در وسط آن بنا تالار و سیعی مربعی قرار دارد و گویند آنجاست که میر سیدعلی نماز می‌گزارده». ر.ک: نقش پاری بر احجار هند ص ۴۵.

۱۰- ر.ک: واقعات کشمیر ص ۴۳.

۱۱- ر.ک: اخلاق ناصری تألیف خواجه نصیر طوسی به تصحیح استاد مجتبی مینوی و علیرضا حیدری. انتشارات خوارزمی ۱۳۵۶. تهران.

- ۳- نقش پارسی بر احجار هند (مجموعه کتبه ها و خطوط فارسی که در ادوار مختلف بر لوح سنگهای هندوستان نگاشته شده است) گردآورده استادعلی اصغر حکمت، ج کلکته (ایران سوسائتی) ۱۳۳۶ شمسی.
- ۴- احوال و آثار و اشعار میرسیدعلی همدانی (باشش رساله او) از دکتر محمد ریاض ج دوم. مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان بهار ۱۳۷۰.
- ۵- سرزمین هند. نگارش علی اصغر حکمت. تهران ۱۳۳۷ شمسی. دانشگاه تهران.
- ۶- تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، استاد سعید نفیسی. انتشارات فروغی، تهران ۱۳۶۳.
- ۷- نفحات الانس من حضرات القدس تألیف مولانا عبدالرحمن جامی به تصحیح مهدی توحیدی پور، از انتشارات کتاب فروشی محمودی ۱۳۳۶ شمسی.
- ۸- مجله یغما دوره های مختلف از جمله سال ۱۳۳۰ شماره های ۶ و ۸
- ۹- مجله معارف اسلامی. دوره ها و شماره های مختلف از جمله شماره های ۱۱-۱۳-۲۳.
- ۱۰- مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران شماره ها و دوره های مختلف.
- ۱۱- مجله ارمغان، سال دهم. «ادبیات و هندوستان» سعید نفیسی.
- ۱۲- تحایف الابراج هند
- ۱۳- کشیر (kashir) تألیف دکتر غلام محی الدین صوفی (انگلیسی) ج ۱۴- اخلاق نامری تألیف شواجه نصیر طوسی به تصحیح استاد مجتبی میثقی و علیرضا حیدری. انتشارات خوارزمی ۱۳۵۶. تهران.
- ۱۵- فتوت نامه میرسیدعلی همدانی به تصحیح محمدریاض خان استاد دانشگاه پنجاب.
- ۱۶- تاریخ کشمیر History of Kashmir تألیف دکتر راضیه بانو. ج ۱۹۹۱ دهلی.
- ۱۷- تحقیق مالهند تصنیف ابوریحان بیرونی ترجمه منوچهر صدوقی سها. موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی شماره ۵۲۱.
- ۱۸- خزینة الاصفیا. هند.
- ۱۹- واقعات کشمیر.

- ۱۲- ر.ک: کشمیر ج یک ص ۹۱.
- ۱۳- تذکره الملوک: از انتشارات دانشگاه تبریز، آبان ۱۳۵۸ ص ۲۵۳.
- ۱۴- مأخذ اخیر ص ۲۵۴.
- ۱۵- مأخذ اخیر ص ۲۵۸.
- ۱۶- تحایف الابراج ج یک: کتابها و رساله های سید را صد و هفتاد دانسته است.
- ۱۷- فتوت نامه به تصحیح محمد ریاض خان استاد دانشگاه پنجاب به نقل مجله معارف اسلامی شماره ۱۱ خرداد ماه ۱۳۴۹ ص ۳۷.
- ۱۸- ر.ک: ج ۲ آن کتاب ص ۲۵۹-۲۰۷.
- ۱۹- علامه اقبال لاهوری می گوید:  
سید آن کشور مینو نظیر  
میرو درویش و سلاطین را مشیر  
جمله را آن شاه دریا آستین  
داد علم و صنعت و تهذیب و دین  
آفرید آن مرد ایران صغیر  
با هنرهای غریب و دلپذیر  
«دیوان اقبال، انتشارات پگاه - تهران - ۱۳۶۲ - ص ۳۹۳»
- ۲۰- تحایف الابراج ص ۲۳.
- ۲۱- ر.ک: مجله معارف اسلامی شماره ۵ فروردین ۲۷ ص ۷۶.
- ۲۲- ز.ک: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران شماره های ۸۱ و ۸۴ سال ۱۳۵۴، مکتوبات میرسیدعلی همدانی. نیز احوال و آثار لاهور ۱۹۲۹ مطالعات فرهنگی
- میرسید علی ص ۱۲۱ به بعد.
- ۲۳- مأخذ اخیر ص ۱۲۳.
- ۲۴- مأخذ اخیر ص ۱۲۴.
- ۲۵- مأخذ اخیر ص ۴۱-۴۰.
- ۲۶- مأخذ اخیر ص ۴۱.
- ۲۷- مأخذ اخیر ص ۳۰۸.
- ۲۸- مأخذ اخیر رساله «فی علماءالدین» ص ۱۸۹.
- ۲۹- ر.ک: احوال و آثار و اشعار ص ۲۲۰.
- ۳۰- مأخذ اخیر و همان صفحه.

#### پاره ای مأخذ مقاله

- ۱- ذخیره الملوک تألیف میرسیدعلی همدانی به تصحیح دکتر انواری - انتشارات دانشگاه تبریز، آبان ۱۳۵۸.
- ۲- دیوان اقبال لاهوری، انتشارات پگاه، تهران چاپ دوم ۱۳۶۲.

